

حسین تبریزی کارگردان و بازیگر «نت آخر» در گفت‌وگو با «ایران»:

## تاتر همچنان زنده است

«نت آخر» نام نمایشی است به نویسندگی و کارگردانی حسین تبریزی که اجرایش از ۲۱ شهریور در سالن گلابل پردیس تئاتر شهرزاد آغاز می‌شود. «تاوان سنگینی برای رسیدن به آرمان‌های بزرگ لازم است و طمع همواره انسانیت را تباه می‌سازد.» این خلاصه داستان نمایش «نت آخر» است که با بازی معصومه شمس، ندا محمدلو، شاهین بامداد، پویا صفری، محمدعلی سهامی، رؤیا محمدخانی، حسین تبریزی، اشکان صالحی، مهشید حسن آبادی، شادمهر حاجت‌زاده، عسل شلی، مهدیس فتحی و ملورین عباسی روی صحنه می‌رود. حسین تبریزی، نویسنده، کارگردان و بازیگر «نت آخر» با اشاره به زمان آغاز نگارش متن این اثر می‌گوید: «اسفند سال گذشته بود که استارت اولیه نگارش متن را زدم و تکمیل شدن آن حدود دو ماه زمان برد. تمرین‌مان نیز از دومین ماه سال ۱۴۰۰ آغاز شد.» او در مورد موضوع تازه‌ترین نمایشش هم توضیح می‌دهد: «تم اصلی نمایش ما، انسانیت و رسالت گمشده آدم‌هاست. گمشده‌ای که بر سر راه رسیدن به طمع‌های‌مان از

دستش داده‌ایم. ما داستان سه موزیسین مستعد جوان را روایت می‌کنیم که خود را به حراج نگذاشته‌اند و تنها راه پیش پایشان نواختن در خیابان شده است. در این نمایش دو شیوه اجرایی رثال و سوررئال با یکدیگر ترکیب شده است و می‌توانم بگویم در بخش‌هایی در حال تماشای یک فیلم کوتاه روی صحنه تئاتر خواهید بود. درواقع «نت آخر» فضایی کمدی، درام و اکشن دارد و ترکیبی از چند مضمون مختلف را در فضایی رثال و سوررئال به تصویر می‌کشد. نمایش از موضوعی اجتماعی برخوردار است و مشکلاتی را که چند نوازنده موسیقی با آن روبه‌رو هستند، مطرح می‌کند.»



تبریزی در مورد اینکه در حال حاضر در پردیس تئاتر شهرزاد، محل اجرای نمایش، مشغول تمرین است یا ناچار به اجاره پلاتو شده است هم می‌افزاید: «ما مدتی است که برای تمرین به پردیس تئاتر شهرزاد آمده‌ایم که بیش از چند جلسه نیست و تا پیش از آن در پلاتو تمرین می‌کردیم.»

نویسنده و کارگردان «نت آخر» در این مورد که آیا موفق به یافتن تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذاری برای اجرایش شده است یا خیر هم توضیح می‌دهد: «من برای پیدا کردن کسی که تهیه‌کنندگی یا سرمایه‌گذاری کارمان را بر عهده بگیرد با آدم‌های بسیاری صحبت کردم اما هیچ‌کدام به سرانجام نرسید. درواقع بیشترشان می‌ترسیدند، بحق نگران برگشت سرمایه‌شان بودند و ترجیح می‌دادند در حوزه تصویر سرمایه‌گذاری کنند. من چند متن برای کارهای تصویری هم نوشته‌ام که قرار است بعد از اجرای نمایش‌مان، استارت‌شان را بزنم و کسانی که با آنها صحبت کردم بیشتر مایل به تهیه‌کنندگی آن کارها بودند تا تهیه‌کنندگی نمایشم. در نهایت کمکی کوچک از سمت بخش خصوصی به ما شد و باقی مبلغ مورد نیاز را خودم تأمین کردم. درواقع مرتضی تیموری، به‌عنوان تهیه‌کننده نمایش از بچه‌های خود گروه است که در حد توان به کار کمک کرده و باقی آن بر عهده خودم بوده است.»

او در پاسخ به این سؤال که در شرایط فعلی؛ شیوع همچنان افسارگسیخته کرونا در ایران، مرگ روزانه بالای ۶۰۰ نفر از هموطنان‌مان، سرعت واکسیناسیون و طبعاً احتمال درآلویت‌نیودن تماشای تئاتر برای مردم و همچنین مجازیودن به استفاده از تنها ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌های نمایشی برای فروش بلیت، آنچه همچنان او و گروهش را امیدوار به اجرا نگه می‌دارد، چیست هم می‌گوید: «عشق به تئاتر. استاد محمدعلی کشاورز در جایی گفته بودند ما بازبگیری تئاتر است و ما موظف به زنده نگه داشتن این مادریم. قصد ما از روی صحنه رفتن در چنین شرایطی، زدن تلنگری به خودمان، اهالی تئاتر و مخاطبان‌مان است، تلنگری برای دیدن وضعیت موجود تئاتر در ایران که متأسفانه می‌توان گفت در حال مرگ است و معتقدم خود ما تئاتری‌ها هستیم که باید نشان دهیم تئاتر همچنان زنده است.»

تبریزی در این مورد که سامانه نوبت‌دهی واکسیناسیون برای تمام هنرمندان بالای ۴۰ سال که کد ملی آنها از سوی صندوق اعتباری هنر به مرکز فناوری اطلاعات وزارت بهداشت ارسال شده، باز شده است، آیا اساساً او و گروهش عضو صندوق اعتباری هنر هستند که بتوانند با تغییر بازه گروه سنی و رسیدن نوبت به جوان‌ترها امیدوار به واکسینه‌شدن باشند یا خیر؟ هم می‌گوید: «ما عضو صندوق اعتباری هنر نیستیم و نمی‌توانیم از این طریق به واکسینه‌شدن امیدوار باشیم. ما عشقی بیش می‌رویم و خودتان هم می‌دانید که در چه شرایط دشواری قرار داریم.»

او در این مورد که آیا مجموع این شرایط موجب نگرانی‌اش از حضورنداشتن تماشاگر در سالن می‌شود یا نه، هم می‌گوید: «اگر بخواهم روراست باشم، نه. ما در هفت ماه گذشته کاری را که باید انجام می‌دادیم، انجام داده‌ایم و هر آنچه را در توان داشته‌ایم، آورده و کوتاهی نکرده‌ایم. باقی ماجرا را به دوستانی که امیدواریم به ما که نه، به تئاتر کمک کنند به خدا سپرده‌ایم.»



که قصه سنمار را از زبان شهرزاد خوانده‌اند و حکایاتی دیگر که وقوع آنها سال‌ها پس از شهرزاد بوده است.» آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی است با حامد شیخی، بازیگر، نویسنده و کارگردان نمایش «قصه شهرزاد به روایت سنمار» که به گفته خودش از زمان شیوع کرونا در ایران با وجود شرایط دشوار موجود برای اجرای صحنه‌ای، ۸ نمایش را کارگردانی کرده است.



کاوانلویی، مجتبی جعفری پور، نوید نویخت، محبوبه میرزاخانی، امیرفهادان، غزال شیخی، نیکی میرصادقی، بهرام مصطفایی، سارا محبی، تداعی سعیدی فر، شاهکار هدایت، رؤیا شیخی، ساغر بهنام و سیمین میرشفیعیان گروه پرترعد بازیگران نمایش «قصه شهرزاد به روایت سنمار» را تشکیل می‌دهند که در خلاصه داستان آن آمده است: «سنمار معمار، قصه شهرزاد را برای نعمان می‌خواند در حالی

حامد شیخی، کارگردان «قصه شهرزاد به روایت سنمار» در گفت‌وگو با «ایران»

# روی صحنه می‌رویم تا در آینده شرمنده نباشیم

■ می‌دانیم که «قصه شهرزاد به روایت سنمار» را براساس «قصه‌های هزار و یکشب» با نگاهی به نمایشنامه «مجلس قربانی سنمار» اثر بهرام بیضایی نوشته‌اید. ایده اولیه این اقتباس چگونه شکل گرفت؟

من در زمان دانشجویی نقش سنمار را در «مجلس قربانی سنمار» بازی کرده بودم و می‌دانیم در پایان نمایشنامه بهرام بیضایی، آنجا که سنمار به دست نعمان کشته می‌شود، یاد از شهرزاد و «قصه‌های هزار و یکشب» می‌شود.

من پیش از رسیدن به «قصه شهرزاد به روایت سنمار» قصد کارگردانی «قصه‌های هزار و یکشب» را با نام «قصه‌های شهرزاد» داشتم. هنگامی که مشغول مطالعه «قصه‌های هزار و یکشب» بودم به روایت قصه سنمار معمار از زبان شهرزاد برخورد کردم و برایم جالب شد که وقتی شهرزاد در «قصه‌های هزار و یکشب» قصه سنمار را می‌گوید و سنمار در «مجلس قربانی سنمار» قصه شهرزاد را، پس یکی از اینها قرین به واقعیت نیست و همین موجب شد جست‌وجوی بیشتری در خصوص «قصه‌های هزار و یکشب» انجام دهم.

سرانجام به مقدمه‌ای به قلم حمید عاملی رسیدم و مشاهده کردم که او نوشته است قصه‌های شهرزاد درواقع هزار افسانه هخامنشی بوده است و من بر این اساس مجدداً شروع به مطالعه «قصه‌های هزار و یکشب» کردم و به این نکته رسیدم که شهریار که شهرزاد برای او قصه می‌گوید فرزند یکی از پادشاهان سلسله ساسانیان بوده و قصه‌های شهرزاد برای او طبیعتاً مربوط به گذشته‌ای چون دوران هخامنشیان است؛ اما چرا قصه‌هایی مانند داستان‌هایی از هارون الرشید و غیره نیز در این میان یافت می‌شود؟! در نهایت به این نتیجه رسیدم که «قصه‌های هزار و یکشب» مورد دخل و تصرف قرار گرفته و داستان‌هایی عربی که مربوط به سال‌ها بعد است وارد آن شده است.

پس در واقع «قصه شهرزاد به روایت سنمار» اعتراضی به این دخل و تصرف عامده‌اند هم هست و نشانی از اینکه اساساً شهرزاد در نسخه اصلی و بی‌دخل و تصرف «قصه‌های هزار و یکشب» نمی‌توانسته قصه سنمار را بگوید چون از وقوع آن مطلع نبوده است اما سنمار می‌توانسته قصه شهرزاد را بگوید چرا که سال‌ها پیش از بلایی که بر سر خودش بیاید، رخ داده است. این طور شد که «قصه شهرزاد به روایت سنمار» با سنمار آغاز و با سنمار تمام شد.

شاهد پررنگ‌تر شدن این موضوع بوده‌ایم، تئاتری که در شرایط غیر کرونا نیز در آن خبری از درآمد مالی و امکانات نبوده و همواره این علاقه، تلاش و عشق اهالی آن بوده که باعث انگرمی این جمعیت سرافراز مظلوم بوده است، در روزگار سخت امروز، بیشتر از همیشه نیازمند توجه دولت است و به عنوان شروعی خوش یمن می‌توان با تکمیل واکسیناسیون اهالی تئاتر شروع کرد. وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی به تازگی در باره تمرکززدایی شیوع کرونا، شروع به کارگردانی تئاتر کردم و تا پیش از آن تنها بازیگر بودم. درواقع از تیر ۱۳۹۹ که سال‌های تئاتر پس از اولین دور تعطیلی‌شان



ترکس کیانی خبرنگار

«قصه شهرزاد به روایت سنمار» نام نمایشی است به نویسندگی و کارگردانی حامد شیخی که از ۱۷ شهریور تا دوم مهر در سالن ارکیده پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهد بود. حامد شیخی، ملیکا زاهدی، علی اسدیان، امیرحسین انصاری، امیرضایابالریان، صادق



من در «قصه شهرزاد به روایت سنمار» هم از فاصله‌گذاری و شیوه برشت استفاده کرده‌ام و هم از تکنیک بازی در بازی. درواقع بازیگران جز ایفانندگان نقش شهرزاد و چند کاراکتر دیگر، شخصیت‌های قصه‌هایی را که از زبان شهرزاد می‌شنویم هم بازی می‌کنند و در عین حال در قصه خود شهرزاد نیز حضور دارند. همچنین صحنه‌ها در یکدیگر سوئیچ می‌شوند و شاهد هیچ قطعی میان‌شان نیستید.

■ **مرداد سال جاری نمایش «جهنم» را در خانه نمایش مهرگان روی صحنه بردید و ظاهراً قصد دارید بعد از «قصه شهرزاد به روایت سنمار»، نمایش «انجمن نویسندگان مرده» را در پردیس تئاتر شهرزاد اجرا کنید. در شرایطی که همه از آن مطلعیم؛ شیوع بالای افسارگسیخته کرونا در ایران، مرگ روزانه بالای ۶۰۰ نفر از هموطنان‌مان، سرعت کند واکسیناسیون و بالطبع احتمال در آلویت‌نبودن تماشای تئاتر برای مردم و همچنین مجازیودن به استفاده از تنها ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌های نمایشی برای فروش بلیت، آنچه همچنان شما و گروه‌تان را امیدوار به اجرا نگه می‌دارد، چیست؟**

به‌علت شیوع کرونا، باز شدند تا امروز، نیمه شهریور ۱۴۰۰ هشتمین نمایشم را روی صحنه برده‌ام و دو نمایش دیگر را نیز در کنار گروهم، گروه تئاتر تندیس روی صحنه برده‌ایم که در مجموع به عدد ۱۰ می‌رسد.

همان «انجمن نویسندگان مرده» که به آن اشاره کردید و مهرسال جاری در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهد رفت نیز توسط دستیار من کارگردانی خواهد شد و من بازیگرش هستم و با اینکه در سریالی به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی هم حضور دارم که در نرجان تصویربرداری می‌شود اما همچنان برای تئاتر زمان می‌گذارم و مانند پدربزرگی می‌بینم که در حال کشیدن آخرین نفس‌هایش است و ما که نوه‌هایش هستیم نمی‌خواهیم شاهد مرگش باشیم و دست‌کم دوست داریم تا آخرین نفسش کنارش بمانیم تا بعدها شرمندگی تنها گذاشتنش روی دوش‌مان سنگینی نکند و شک ندارم دوستانی که عقب‌نشینی کردند و مخصوصاً کسانی که تئاتر را به VODها بردند در آینده شرمند خواهند شد.

■ **چرا گمان می‌کنید مخصوصاً کسانی که تئاتر را به VODها بردند شرمند خواهند شد؟**  
چون آنها به از بین رفتن تئاتر کمک می‌کنند. ما چیزی به نام تئاتر آنلاین نداریم و درواقع آنچه را

یکی از مهم‌ترین نیازهای امروزه تئاتر است. برای دستیابی به سبیل بسیار استعداد‌های انسانی و محیطی که در اقصی نقاط سرزمین عزیزمان از نظر فرهنگ و هنر نهفته است، تمرکززدایی لازمه این امر است. بسیاری از اهالی تئاتر که بنده نیز یکی از آنان هستم، با علاقه و آرزویی که از کودکی در سر پرورانده‌ایم و به دلیل برخورداریونودن از اولیه‌ترین امکانات در استان‌های محل زندگی‌مان در زمینه نمایش، مجبور شده‌ایم که به پایتخت بیاییم و ذکر مشکلات که سختی‌های این مسیر در این فرصت نمی‌گنجد و همچنین بسیاری

نمایش هنری اندیشه‌ساز است که فرهنگ ثمره آن است و این همان چیزی است که ما هم‌اکنون بسیار نیازمند آن هستیم. اما لازمه این موضوع فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌ها و رفع موانع و چالش‌ها برای این هنر والا و اهالی آن از طرف دولت و حکومت است. متأسفانه تئاتر ما همواره مغوم این موضوع بوده و اهالی تئاتر همیشه برای این امکانات و مسائل اولیه مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند و در دوران کرونا

شدن و عدم توجه به اهالی تئاتر پایتخت شود، چه بسا که باید برای انجام تمرکززدایی به نحو احسن، توجهی چندین برابر به زیرساخت‌ها و رفع موانع و چالش‌های تئاتر تهران شود. درواقع بهترین شکل ارتقای تئاتر، توجه بسیار شایان به تئاتر مرکز و شهرستان‌ها به صورت هم‌زمان است. و فرغه داد، پشتوانه ما باشد و همواره شاهد باشیم که تسهیل‌کننده و ارتقادهنده تئاتر این مرز و بوم باشد و توجه داشته باشد که تئاتر این مرز و بوم همواره می‌کوشد موضوع را عمیقاً لمس کرده‌ایم. موضوع بسیار حائز اهمیت دیگر، ذکر این نکته است

شده و مثال‌هایی که لزوم این موضوع را دودست‌هایی می‌کند، بسیار دیده‌ایم که هنرمندان با استعداد تئاتر که در همه جای کشورمان حضور دارند، نهایت فرصتی که به آنان داده می‌شود برگزار می‌شود هزارچندگاه جشنواره‌هایی آن‌هم با امکانات حداقلی است و چه بسیارند نوجوانانی که به خاطر موقعیت جغرافیایی خود و شرایط مالی و... باید دست از علاقه و آرزوهایشان بردارند؛ اما برای انجام این امر و در مسیر آن چالش‌ها و نکاتی وجود

نباید فراموش کرد که این موضوع باعث کم



محمد اسماعیلی بازیگر تئاتر

یادداشت